

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

بحث در اسامي مربوط به روز قیامت است که برخی از اسامي را بیان کردیم؛ از اسامي دیگری که مربوط به قیامت است این است که تعبیر شده به یوم ثقیل، روز قیامت را به روز سنگین توصیف کردند. در سوره مبارکه انسان آیه 27 می‌فرماید: «**إِنَّ هَؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ**» این کسانی که مجرم و گناهکار هستند دنیا را دوست دارند «**وَيَذُرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا**» معنای یذرون وراءهم احتمال اولش این است که پشت گوش می‌اندازند و به پشت خودشان رها می‌کنند روز ثقیل و روز قیامت را. یعنی اعتنا نمی‌کنند که يك چنین روزی را در پیش دارند، توجه نمی‌کنند و این تعبیر به یوم ثقیل شده. باز عرض کردیم ولو اینکه مشهور در اذهان این است که روز قیامت اگر یوم عسیر است برای همه عسیر است، اگر یوم أليم است برای همه یوم أليم است، ولی ظاهر آیات شریفه این است که این عناوین نسبی است، یعنی همانطوری که در یوم الحسرة از آیات قرآن استفاده شد و استفاده کردیم که روز قیامت برای برخی - یعنی کافران - عنوان حسرت را دارد اما برای مؤمن صالح حسرت نیست، این یوماً ثقیلاً هم ظاهراً همینطور باشد.

ثقیل به چه اعتبار ثقیل است؟ آیا به اعتبار اینکه همه حساب خیلی سنگینی در آن روز در پیش دارند؛ مجازات‌ها خیلی سنگین است؛ یا آنهایی که گناهکارند بار سنگینی را دارند؛ علی‌ای حال از خود همین آیه که می‌فرماید «**إِنَّ هَؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذُرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا**» می‌شود استفاده کرد که این ثقیل بودن هم به اعتبار همین مجرمین است، یعنی یوم القیامة یوم ثقیلاً علی‌المجرمین، کما اینکه در مورد کافرین داشتیم که «کان یوماً علی‌الکافرین عسیراً» یا «يقول الکافرون هذا یوم عسر» در مورد ثقیل هم ظاهراً باید همینطور مطرح کرد.

قبلاً وقتی آیه شریفه «**ومن وراءهم برزخ إلی یوم یبعثون**» را معنا می‌کردیم، گفتیم کلمه‌ی «وراء» دو معنا دارد: یکی به معنای پشت است و یکی به معنای جلو است، در آیه شریفه ومن وراءهم یعنی ومن أمامهم یعنی جلوی اینها. حالا آیا در این آیه شریفه **وَيَذُرُونَ وَرَاءَهُمْ** وراء به معنای پشت است؟ رها می‌کنند و پشت سر می‌اندازند یوم ثقیل را، یعنی اینقدر گرفتار دنیا هستند، «**إِنَّ هَؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ**» مجرم اینقدر گرفتار دنیا است که یوم ثقیل را فراموش می‌کند و پشت سر می‌اندازد. یا بگوئیم وراء در این آیه هم به معنای جلوی خودشان است، یعنی «**وَيَذُرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا**» با کلمه‌ی یذرون خیلی سازگاری ندارد و وراء را باید به معنای پشت بیان کرد.

یکی دیگر از اسامي قیامت یوم التلاق است؛ در سوره مبارکه مؤمن (غافر) آیه 15 می‌فرماید: «**رَفِعُ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ لِيُنذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ**» این روح در آیه شریفه همانطور که مفسرین گفتند به معنای وحی و کتب آسمانی است، کما اینکه در آیه 52 از سوره مبارکه شوری دارد «**كَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحاً مِنْ أَمْرِنَا**» ما وحی فرستادیم به سوی تو که همان کتب آسمانی است. حالا چرا از کتب، قرآن و وحی تعبیر به روح شده و این هم خودش نکته‌ی خیلی لطیفی

دارد که در جای خودش مطرح است، خدا می‌فرماید ما این وحی، قرآن، این کتاب آسمانی را فرستادیم برای اینکه پیامبر ما یوم التلاق را به مردم انذار کند. چرا روز قیامت را روز تلاق (یعنی ملاقات) می‌گویند؟ اینجا مصادیقی می‌شود برای تلاقی مطرح کرد، یعنی از خصوصیات قیامت این است که هم‌هی انواع تلاقی‌ها در قیامت هست، اولاً اولین و آخرین انسان‌ها یکدیگر را ملاقات می‌کنند، این نیست که بگوئیم فقط فامیل خودمان را ملاقات می‌کنیم! اولین و آخرین یکدیگر را ملاقات می‌کنند و از سرنوشت یکدیگر اطلاع پیدا می‌کنند، حالا این به چه کیفیتی ممکن است، این هم مربوط به آثار روز قیامت است، این از خصوصیات دنیا و عالم ماده است که در عالم ماده انسان نمی‌تواند از کسی که یک مقداری از او دور است اطلاع پیدا کند، اما روز قیامت روزی است که هم‌هی انسان‌ها از وضعیت یکدیگر اطلاع پیدا می‌کنند.

در مورد زمان ظهور حضرت داریم که وقتی حضرت (عج) ظهور کنند، یک روایتی وارد شده که خدای تبارک و تعالی سمع و ابصار اینها را طوری قرار می‌دهد که هر کسی از هر نقطه‌ای بخواهد با حضرت صحبت می‌کند و جواب حضرت را می‌شنود، این چیز خیلی عجیبی هم هست، منتهی این است که در همین دنیا اتفاق می‌افتد، اینطور نیست که بگویند آن زمان هم هر انسانی هر وقت بخواهد باید وقت بگیرد و تأخیر داشته باشد، وقتی که در دنیا این مسئله امکانپذیر است، وقتی این دنیا برچیده می‌شود و یک روز عجیب و غریبی به نام روز قیامت می‌خواهد فرا برسد این ضوابط عالم ماده از بین می‌رود. هر انسانی از وضع هر انسان دیگر می‌تواند اطلاع پیدا کند، لذا این می‌شود یوم التلاق.

عرض کردم تلاقی هم‌هی انسان‌ها با یکدیگر است، کسی نمی‌تواند بگوید اگر من ظلمی به دیگری کردم، گاهی اوقات ما عوامانه حرف می‌زنیم می‌گوئیم در قیامت چه کسی دیگری را می‌تواند پیدا کند؟! در عین اینکه «يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ، وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ، وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ» هست، تلاقی هم هست و اطلاع بر احوال دیگر هم هست. چون مراد از تلاقی مجرد ملاقات نیست که زید و عمرو یکدیگر را ببینند، بلکه از وضع یکدیگر اطلاع پیدا می‌کنند و از همین عنوان می‌توانیم استفاده کنیم هر کسی روز قیامت می‌تواند دیگری را پیدا کند و آنجا دنیا نیست که بگوئیم در این جمعیت زیاد حسن بخواهد علی را پیدا کند و علی بخواهد حسین را پیدا کند، مگر می‌شود؟! این ضوابط همه از بین می‌رود و برداشته می‌شود. برای هر انسانی امکان ملاقات با دیگری به راحتی برای او محقق و میسر است، این یک جهت.

جهت دوم این است که نوع دوم ملاقات ملاقاتی است که انسان با خدای تبارک و تعالی دارد؛ خداوند که جسم و ماده نیست که ما بخواهیم بگوئیم خدا را می‌بینیم ولی در قیامت خدا مشهود انسان می‌شود، نه اینکه مشهود مادی مراد باشد، انسان برایش سر سوزنی تردید حاصل نیست که خدایی در این عالم وجود دارد و خدا همه کاره است. در آیه‌ی ششم سوره انشقاق می‌فرماید «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ» انسان به سوی خدا در حرکت است و خدا را ملاقات می‌کند، یعنی به نقطه‌ای می‌رسد که آن نقطه روز قیامت است و روزی است که ظهور تام حق تعالی است و آنجا دیگر شک و شبهه‌ای وجود ندارد که انسانی بگوید من خدا را قبول دارم یا ندارم! برای همه روشن است.

از دیگر ابعاد ملاقات؛ ملاقات انسان با ملائکه است، روز قیامت روزی است که انسان با ملائکه الهی ملاقات می‌کند، در دنیا ملائکه حضور دارند و انسان نمی‌تواند آنها را ببیند اما در قیامت روز ملاقات انسان با ملائکه است. در آیه 103 سوره مبارکه انبیاء می‌فرماید: «لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنفُسُهُمْ خَالِدُونَ» لا يحزنهم الفزع الأكبر آنچه دیروز عرض کردم یوم الحسرة مربوط به همه نیست، یوم عسیر مربوط به همه نیست، یوم ثقیل مربوط به همه نیست، این هم مؤید آن است، اینجا می‌فرماید «لَا يحزنهم الفزع الأكبر» فزع الأكبر روز قیامت است و برای اهل بهشت ایجاد حزن نمی‌کند «وَتَتَلَفَأَهُ الْمَلَائِكَةُ» ملائکه می‌آیند با آنها ملاقات می‌کنند «هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ» این همان روزی است که به شما وعده داده شده. پس تلاقی انسان‌ها با یکدیگر، تلاقی انسان با خدا، تلاقی انسان با ملائکه. و وجه چهارم یوم التلاق این است که انسان نامه‌ی اعمال خودش را ملاقات می‌کند که ببیند در این دنیا چه کرده؟

در سوره مبارکه حافه آیه 20 می‌فرماید: «فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَذَا مَا أقرءُوا كِتَابِي ۗ إِنَّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِي» کسی که نامه اعمالش را به دست راستش می‌دهند می‌گویند من می‌دانستم که حساب و کتابم را می‌بینم و با آن ملاقات می‌کنم، من در دنیا باور داشتم که من با نامه اعمال خودم ملاقات می‌کنم، این «ظن» در قرآن ظنّ اصولی نیست بلکه یعنی علمت، می‌دانستم که «أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِي فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ ۖ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ۖ قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ» تا آخر. این هم وجه چهارم یوم التلاق که انسان نامه اعمال خودش را ملاقات می‌کند.

وجه پنجم این است که ائمه حق با ائمه باطل ملاقات می‌کنند؛ آنجا وقتی «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ» است که در این آیه شریفه «بإمامهم» اعم از امام حق و باطل است، باز ائمه حق و ائمه جور هم ملاقات می‌کنند، ظالم و مظلوم با یکدیگر ملاقات می‌کنند، عرض کردم این مطلبی که حالا می‌گویند قیامت چه کسی می‌تواند دیگری را پیدا کند؛ اتفاقاً قیامت دنیا نیست و در دنیا کسی نمی‌تواند دیگری را پیدا کند! دنیاست که هر کس می‌تواند خودش را از دیگری مخفی نگه دارد ولی قیامت روز بروز و شهود است و کسی نمی‌تواند از دیگری مخفی باشد! ظالم مظلوم را می‌بیند و مظلوم هم ظالم را می‌بیند و از همه مهم‌تر مجرم شیطان را می‌بیند، شیاطین مجرمین را می‌بینند، بهشتیان دوزخیان را ملاقات می‌کنند و دوزخیان هم بهشتیان را ملاقات می‌کنند. پس روز ملاقات از همه ابعاد است؛ انسان با انسان، انسان با خدا، انسان با ملائکه، ظالم با مظلوم، مظلوم با ظالم. همه‌ی اینها سبب می‌شود که روز قیامت را خدای تبارک و تعالی می‌فرماید یوم التلاق، روز ملاقات.

خداوند ان شاء الله همه‌ی ما را نسبت به قیامت ایمن و در پناه خودش حفظ بفرماید.

و صلي الله علي محمد و آله الطاهرين